



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



حکیم شادمانی

باد و قرابت

- قرابتی مشہور و مقبول
- قرابتی مجہول و مردود

علی اکبر مہدی پور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حدیث ثقلین با دو قرائت

نویسنده:

علی اکبر مهدی پور

ناشر چاپی:

رسالت

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	حدیث ثقلین با دو قرائت
۷	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۷	حدیث ثقلین با قرائت مشهور و مقبول
۱۷	۱. صحیح مسلم
۱۹	۲. سنن ترمذی
۲۱	۳. طبقات ابن سعد
۲۳	۴. المصنّف ابن أبي شیبہ
۲۳	۵. مسند احمد حنبل
۲۵	۶. سنن دارمی
۲۷	۷. خصائص نسائی
۲۷	۸. الذّریه الطّاهره
۲۹	۹. معجم طبرانی
۳۳	۱۰. مستدرک حاکم
۴۰	حدیث ثقلین با قرائت شاذّ و نادر
۴۰	اشاره
۴۱	۱. امام مالک
۴۵	۲. ابن هشام
۴۷	۳. دار قطنی
۴۹	۴. حاکم نیشابوری
۵۵	۵. بیهقی
۵۷	۶. ابن عبدالبرّ
۶۱	۷. قاضی عیاض

۶۳ ۸. ابن خلدون

۶۵ ۹. سیوطی

۶۵ ۱۰. متقی هندی

۶۹ نقد و بررسی قرائت : کتاب الله و سنتی -

۸۸ درباره مرکز

سرشناسه: مهدی پور، علی اکبر، ۱۳۲۴ -

عنوان قراردادی: حدیث الثقلین. فارسی

حدیث کسا

عنوان و نام پدیدآور: حدیث ثقلین با دو قرائت: قرائتی مشهور و مقبول، قرائتی مجعول و مردود / علی اکبر مهدی پور.

مشخصات نشر: قم: رسالت، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: ۴۳ ص.

شابک: ۲۵۰۰۰ ریال: ۷-۴۳-۶۸۳۸-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: خاندان نبوت در قرآن

موضوع: خاندان نبوت -- احادیث

موضوع: احادیث خاص (ثقلین) -- نقد و تفسیر [حذفی]

موضوع: احادیث خاص (کساء) -- نقد و تفسیر

موضوع: احادیث اهل سنت -- نقد و تفسیر

رده بندی کنگره: BP۱۴۵/ث۷۰۴۲۲ م ۱۳۸۹

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۱۸

شماره کتابشناسی ملی: ۲۰۴۶۱۸۶

(۱) قرائتی مشهور و مقبول

(۲) قرائتی مجعول و مردود

یکی از حساس ترین فرازهای خطبه ی غدیر به بیان حدیث شریف ثقلین اختصاص دارد .

رسول اکرم صلی الله علیه و آله به هنگام بازگشت از حجه الوداع ، در سرزمین غدیر خم به فرمان

پروردگار ، طی مراسم باشکوهی مولای متقیان امیرمؤمنان علیه السلام را به خلافت و امامت

نصب کرد و نغمه ی روح بخش : « من کنت مولاه فهذا علی مولاه » را با بانگ رسای

خود در یک اجتماع یکصد و بیست هزار نفری در خیمه ی تاریخ نواخت .

افتخار صفحات تاریخ ، علامه ی امینی قدس سره ، متن گفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در

دائرة المعارف بزرگ « الغدیر » از یکصد و ده تن از اصحاب ، منحصرأً از منابع اهل

سنت روایت کرده است .^(۱)

خطبه ی رسول گرامی اسلام در روز غدیر بسیار طولانی است ، و در حدود

۱- [۱] . الغدیر ، علامه امینی ، ج ۱ ، صص ۴۱ _ ۱۴۴ ، تحقیق مرکز دائرة المعارف فقه اسلامی ، قم ، ۱۴۱۶ ق .

۳۰ صفحه می باشد ، علاقمندان به منابعی که خطبه های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را گرد آورده

مراجعه فرمایند .(۱)

علامه ی امینی در این اثر ماندگار خود تنها فرازهایی از سخنان صحابه را نقل

کرده ، که در تعدادی از آنها حدیث ثقلین نیز مطابق قرائت مشهور : « کتاب الله

وعترتی » آمده است ، که به چند مورد در پاورقی اشاره می کنیم .(۲)

در کتاب « حدیث الولاية » که بازآفرینی کتاب « الموالاته » ابن عقده می باشد ، تعداد

۱۴۲ مورد از طرق حدیث غدیر از صحابه به نقل ابن عقده بازیابی شده است .(۳)

ابن مغزلی در کتاب مناقب خود پس از نقل خطبه ی غدیر از طرق مختلف می نویسد :

در حدود یکصد تن از صحابه این حدیث را از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که

ده تن (عشره مبشره) نیز در میان آنهاست و این حدیثی صحیح و ثابت است که هیچ

ضعفی در آن من سراغ ندارم و این از فضایل ویژه علی علیه السلام است که احدی در این

فضیلت با او شریک نمی باشد .(۴)

در طول تاریخ رسالت ، رسول اکرم صلی الله علیه و آله فقط دو سخنرانی داشتند که بیش از

یکصد هزار مستمع داشتند ، یکی در روز عرفه ، در عرفات ، در حجّه الوداع (نهم

ذیحجه الحرام سال ۱۰ ق) دیگری در سرزمین غدیر خم روز عید غدیر

(۱۸ ذیحجه الحرام سال ۱۰ ق) که در هر دو مورد خطبه ی بسیار حسّاس و باعظمتی

ایراد کرده ، در هر یک « حدیث ثقلین » را مطابق قرائت مشهور آن بیان فرمودند .

صدور حدیث ثقلین از زبان دُرر بار پیامبر گرانقدر به دو مورد یاد شده اختصاص

ندارد ، بلکه حداقل در شش مورد این حدیث از بیان آن حضرت ثبت شده است :

- ۱- [۱]. مدینه البلاغه ، شیخ موسی زنجانی ، ج ۱ ، صص ۲۱۳ _ ۲۴۱ ، تحقیق ابراهیم انصاری ، انتشارات کعبه ، تهران ، ۱۴۰۵ ق .
- ۲- [۲]. الغدیر ، ج ۱ ، صص ۴۸ ، ۵۸ ، ۶۸ ، ۷۸ ، ۱۱۴ و ۱۳۰ به نقل از : ام سلمه ، جابر ، حذیفه ، زید بن ارقم ، عامر بن لیلی و امیر مؤمنان علیه السلام .
- ۳- [۳]. حدیث الولاية ، حافظ ابن عقده ، تحقیق امیر تقدیمی ، دلیل ما ، قم ، ۱۴۲۲ ق ، صص ۳۹ _ ۱۴۷ .
- ۴- [۴]. مناقب اهل البيت ، ابن مغزلی ، تحقیق محمد کاظم محمودی ، مجمع جهانی ، قم ، ۱۴۲۷ ق ، ص ۸۴ .

۱. به هنگام بازگشت از طائف ، در سال هشتم هجری .

۲. روز عرفه ، نهم ذیحجه الحرام سال دهم هجرت در عرفات .

۳. روز دوازدهم ذیحجه الحرام (۱) سال دهم در مسجد خیف در منی .

۴. روز عید غدیر در سرزمین غدیر خم ، هجدهم ذیحجه الحرام سال

دهم هجری .

۵. در آستانه ی ارتحال در مسجد النبی ، در اواخر ماه صفر سال یازدهم

هجری .

۶. در بستر مرگ ، روز ۲۸ صفر سال یازدهم ، در حجره شریفه (۲).

راویان حدیث ثقلین از صحابه

با توجه به تکرار حدیث ثقلین حداقل در شش مورد و ایراد خطابه از سوی رسول

اکرم صلی الله علیه و آله در حجه الوداع در روز عرفه و به هنگام بازگشت در سرزمین غدیر در

اجتماعی متجاوز از یکصد هزار نفر ، این حدیث در تمام طبقات به حدّ تواتر رسیده

و اینک اسامی چهل تن از صحابه که متن روایت آنان در دست می باشد :

(۱) ابویوب انصاری ؛ (۲) ابوذر غفاری ؛ (۳) ابورافع ؛ (۴) ابوسعید خدری ؛

(۵) ابوشریح خزاعی ؛ (۶) ابوقدامه انصاری ؛ (۷) ابولیلی انصاری ؛ (۸) ابوهریره ؛

(۹) ابوالهیشم بن تیهان ؛ (۱۰) انس بن مالک ؛ (۱۱) براء بن عازب ؛ (۱۲) جابر بن عبدالله

انصاری ؛ (۱۳) جبیر بن مطعم ؛ (۱۴) جریر بن عبدالله ؛ (۱۵) حبشی بن جناده ؛ (۱۶)

حذیفه بن اسید ؛ (۱۷) حذیفه بن ثابت ؛ (۱۸) حذیفه بن یمان ؛ (۱۹) حسن بن علی علیهماالسلام ؛

(۲۰) خزیمه بن ثابت ؛ (۲۱) زید بن ارقم ؛ (۲۲) زید بن اسلم ؛ (۲۳) زید بن ثابت ؛ (۲۴)

سعد بن ابی وقاص ؛ (۲۵) سلمان ؛ (۲۶) سهل بن سعد ؛ (۲۷) ضمیره اسلمی ؛ (۲۸) طلحه

١- [١]. البدايه والنّهايّه ، ابن كثير ، مكتبه المعارف ، بيروت ، ج ٥ ، ص ٢٠٢ .

٢- [٢]. عليّ امام البرره ، آيه الله خوئي ، شرح آيه الله سيد محمّد مهدي خرساني ، دارالهادي ، بيروت ، ١٤٢٤ ق ، ج ١ ،
صص ٢٩٢ _ ٣٠٤ .

بن عبدالله تیمی ؛ ۲۹) عامر بن لیلی ؛ ۳۰) عبدالرحمن بن عوف ؛ ۳۱) عبدالله بن حنطب ؛ ۳۲) عبدالله بن عباس ؛ ۳۳) عبدالله بن عمر ؛ ۳۴) عدی بن حاتم ؛ ۳۵) عقبه بن عامر ؛ ۳۶) علی بن ابی طالب علیه السلام ؛ ۳۷) عمار یاسر ؛ ۳۸) عمر بن خطاب ؛ ۳۹) عمرو عاص ؛ ۴۰) مقداد بن اسود .

حدیث ثقلین گذشته از افراد یاد شده ، از سه تن از صحابیات نیز روایت شده ، و

آنها عبارتند از :

(۱) فاطمه زهرا علیها السلام ؛

(۲) امّ سلمه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله ؛

(۳) امّ ایمن ، از بانوان بهشتی .(۱)

ابن حجر می نویسد : این حدیث از بیش از بیست تن از صحابه در موارد مختلف

از جمله : روز عرفه در حجه الوداع ، روز غدیر خم ، به هنگام بازگشت از حج ، پس از

بازگشت از طائف و در دوران بیماری حضرت در حجره شریفه هنگامی که پر از

صحابه بود .

سپس اضافه می کند : پیامبر اکرم این حدیث را در این موارد و در مواردی دیگر به

جهت اهتمام خاص به شأن قرآن کریم و عترت طاهره تکرار فرموده است .

آنگاه از طبرانی نقل کرده که آخرین چیزی که پیامبر اکرم در لحظات آخر حیات

خود بر زبان راند سفارش اهل بیت خود بود .(۲)

کتابنامه ی حدیث ثقلین

کثرت راویان حدیث ثقلین موجب شده که برخی از محدثان ، متکلمان و تراجم

نگاران به گردآوری اسامی راویان آن پرداخته و برخی نیز کتاب مستقلی در همین

١- [١]. همان، ج ١، ص ٣١١.

٢- [٢]. الصواعق المحرقة، ابن حجر هيثمي، تحقيق عبدالوهاب عبداللطيف، مكتبة القاهرة، مصر، ١٣٨٥ ق، ص ١٥٠.

رابطه تألیف کرده اند ، که از آن جمله است :

- ۱ . حافظ ابوالفضل محمد بن طاهر شیبانی مقدسی (۴۴۸ _ ۵۰۷ ق) کتاب مستقلی به نام : « طرق حدیث اِنی تارک فیکم الثقلین » به رشته ی تحریر در آورده است . (۱)
- ۲ . علامه میرحامد حسین هندی (۱۲۴۶ _ ۱۳۰۶ ق) جلد دوازدهم « عبقات الانوار » را به بررسی سندی و محتوایی حدیث ثقلین اختصاص داده ، شبهات عبدالعزیز دهلوی (۱۱۵۹ _ ۱۲۳۹ ق) را پاسخ داد .
- ۳ . شادروان شیخ قوام الدین محمد و شنوه ای (۱۳۲۵ _ ۱۴۱۸ ق) کتابی در همین رابطه تألیف کرده ، آن را « حدیث ثقلین » نام نهاد .
این کتاب به سال ۱۳۷۴ ق . در قاهره به چاپ رسید .
- ۴ . محقق فرزانه علامه سید علی میلانی (معاصر) عبقات الانوار را به عربی برگردانده ، آن را « نفحات الأزهار » نام نهاده ، در ۲۰ مجلد منتشر کرد ، جلد اول ، دوم و سوم آن پیرامون حدیث ثقلین می باشد .
- ۵ . دانشمند فرزانه دکتر سید حسن افتخارزاده (معاصر) از کتاب « نفحات الازهار » جلد های اول تا سوم را به فارسی ترجمه کرده ، تحت عنوان : « خلاصه عبقات الانوار ، حدیث ثقلین » در ۱۰۲۴ صفحه منتشر نموده است .

* * *

حدیث ثقلین در مجامع حدیثی

به جهت گستردگی طرق حدیث ثقلین ، متن آن با الفاظ مختلف ، ولی به یک مضمون ، در کتابهای : صحاح ، سنن ، معاجم ، منابع حدیثی ، تفاسیر ، کتب سیره ، تاریخ ، لغت و تراجم به تفصیل آمده که استقصای آن چندین مجلد بزرگ را می طلبد .

ما در اینجا برای تبرک ، فقط از چند منبع حدیثی ، فراز کوتاهی از حدیث شریف

ثقلین را نقل کرده ، تفصیل آن را به فرصتی دیگر موکول می کنیم .

ص:۵

۱- [۱] . هدیه العارفین ، اسماعیل پاشا بغدادی ، مکتبه اسلامیة ، تهران ، چاپ سوم ، ۱۳۸۷ ق ، افست چاپ استانبول ، ۱۹۵۵ م ، ج ۲ ، ص ۸۲ .

در ترتیب نقل حدیث ، به جهت اهمیت خاص کتب صحاح ، نخست از « صحیح مسلم » حدیثی نقل کرده ، سپس به دلیل اهمیت کتب سنن ، به نقل دو حدیث از « سنن ترمذی » بسنده می کنیم .

آنگاه به نقل حدیث ثقلین از دیگر مجموعه های حدیثی ، به ترتیب تسلسل زمانی ، آنهم فقط در محدوده ی قرن سوم و چهارم می پردازیم :

حدیث ثقلین با قرائت مشهور و مقبول

۱ . صحیح مسلم

مسلم بن حجاج نیشابوری ، متوفای ۲۶۱ ق . در صحیح خود با سلسله اسنادش از « زید بن ارقم » روایت کرده که گفت :

روزی رسول اکرم صلی الله علیه و آله در میان مکه و مدینه ، در کنار برکه ی آبی که « حُمّ » نامیده می شد ، برای ایراد خطابه در میان ما به پا خاست ، حمد و ثنای خدا به جای آورد ، مردم را موعظه کرد ، پند و اندرز داد ، سپس فرمود :

أَمَا بَعْدُ ، أَلَا أَيُّهَا النَّاسُ ! فَإِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ يُّوشِكُ أَنْ يَأْتِيَ رَسُولُ رَبِّي فَأَجِيبُ .

وَأَنَا تَارِكٌ فَيَكُمُ ثَقَلَيْنِ :

أَوَّلُهُمَا كِتَابُ اللَّهِ ، فِيهِ الْهُدَى وَالنُّورُ ، فَخُذُوا بَكِتَابِ اللَّهِ وَاسْتَمْسِكُوا بِهِ .

فَحِثَّ عَلَيَّ كِتَابَ اللَّهِ وَرَغَّبْ فِيهِ ، ثُمَّ قَالَ :

وَأَهْلُ بَيْتِي . أَذْكَرُكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي ، أَذْكَرُكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي ، أَذْكَرُكُمْ اللَّهُ

فِي أَهْلِ بَيْتِي ؛

أَمَا بَعْدُ ، هَانِ أَيُّ مَرْدَمَانِ ! مِنْ نِيزِ إِنْسَانِي هَسْتُمْ كِه نَزْدِيكُ اسْتِ بِيكُ الْهِي بِه سِرَاغَمِ

بِيَايِدِ وَ مِنْ نِيزِ اِجَابَتِ كَنْمِ .

من در میان شما دو چیز گرانبها می گذارم :

نخستین آنها کتاب خداست که در آن نور و هدایت است ، پس کتاب خدا را محکم

بگیرید و به آن چنگ بزنید .

ص:۶

[پس کتاب خدا را به مردم سفارش کرد و مردم را بر عمل به آن تشویق نمود ،

سپس فرمود :]

و اهل بیت من ، که در مورد اهل بیتم [به شما هشدار می دهم و] خدا را به یاد شما می آورم و آنها را به شما توصیه می کنم .

[این جمله را سه بار تکرار فرمود] . (۱)

۲. سنن ترمذی

محمد بن عیسی بن سوره ترمذی ، متوفای ۲۹۷ ق . در سنن خود حدیث ثقلین را

از دو طریق روایت کرده است :

۱ . با سلسله اسنادش از جابر بن عبدالله انصاری که گفت :

رسول اکرم صلی الله علیه و آله را در روز عرفه در موسم حج دیدم که بر فراز شتر خود « قَصُوا »

خطبه می خواند و شنیدم که در خطبه اش می فرمود :

يا ايها الناس! اني قد تركت فيكم ما ان اخذتم به لن تضلوا : كتاب الله

وعترتي اهل بيتي ؛

هان ای مردمان ! من در میان شما چیزی وانهادم که اگر آن را محکم بگیرید هرگز

گمراه نمی شوید :

کتاب خدا و عترت من ، که همان اهل بیت من می باشند . (۲)

ترمذی پس از نقل حدیث فوق گوید :

در همین باب از ابوذر ، ابوسعید ، زید بن ارقم و حذیفه بن أسید نیز روایت هست .

۲ . با سلسله اسنادش از ابوسعید خدری و زید بن ارقم روایت کرده که گفته اند :

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود :

-
- ١- [١]. صحيح مسلم ، ج ٤ ، ص ١٨٧٣ ، فضائل الصّحابة ، ح ٣٦ ، تحقيق محمّد فؤاد عبدالباقى ، دار احياء التراث العربى ، بيروت ، چاپ دوم ، ١٩٧٢ م .
- ٢- [٢]. الجامع الصّحيح سنن ترمذى ، ج ٥ ، ص ٦٦٢ ، باب مناقب أهل بيت النّبى ، ح ٣٧٨٦ ، تحقيق ابراهيم عطوه عوض ، دار احياء التراث العربى ، بيروت .

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ مَا إِنْ تَمَسَّكُمْ بِهِ لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي ، أَحَدُهُمَا أَعْظَمُ مِنَ الْآخَرِ :

كِتَابُ اللَّهِ ، حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَعِترَتِي أَهْلُ بَيْتِي وَلَنْ يَتَفَرَّقَا

حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ ، فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلُفُونِي فِيهِمَا ؛

من در میان شما چیزی می گذارم که اگر به آن چنگ بزنید هرگز بعد از من گمراه

نمی شوید ، یکی از آنها از دیگری بزرگتر است :

(۱) کتاب خدا که ریسمانی کشیده شده از آسمان به سوی زمین است .

(۲) عترت من ، که همان اهل بیت من می باشند .

این دو هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند . پس

نیک بنگرید که چگونه جانشین من در مورد آن دو خواهید بود . (۱)

۳_ طبقات ابن سعد

محمد بن سعد ، کاتب واقدی ، متوفای ۲۳۰ ق . در کتاب « طبقات الصَّحابة

والتَّابعين » حدیث ثقلین را با سلسله اسنادش ، از ابوسعید خدری ، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

روایت کرده که فرمود :

إِنِّي أَوْشِكُ أَنْ أَدْعِيَ فَأُجِيبُ ، وَإِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ : كِتَابُ اللَّهِ وَعِترَتِي ،

كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ، وَعِترَتِي أَهْلُ بَيْتِي ، وَإِنَّ

اللَّطِيفَ الْخَبِيرَ أَخْبَرَنِي أَنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرَقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ ، فَانظُرُوا

كَيْفَ تَخْلُفُونِي فِيهِمَا ؛

زود است که فراخوانده شوم ، پس دعوت حق را لیبیک گویم ، من در میان شما دو

چیز گرانها می گذارم : کتاب خدای عزوجل و عترت من .

کتاب خدا ریسمانی کشیده شده از آسمان به سوی زمین است .

و عترت من که همان اهل بیت من می باشند .

خدای دانای مهربان مرا خبر داده که آن دو هرگز از یکدیگر جدا نشوند تا در

ص: ۸

۱- [۱]. همان ، ص ۶۶۳ ، ح ۳۷۸۸ .

حوض کوثر بر من وارد شوند .

پس نیک بنگرید که چگونه جانشین من در مورد آن دو خواهید بود .(۱)

۴_ المصنّف ابن اَبی شیبّه

عبدالله بن محمّد بن اَبی شیبّه ، متوفای ۲۳۵ ق . در کتاب « المصنّف » خود ، حدیث

ثقلین را با سلسله اسنادش از « زید بن ثابت » روایت کرده ، که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود :

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الْخَلِيفَتَيْنِ مِنْ بَعْدِي : كِتَابُ اللَّهِ وَعِطْرَتِي ، أَهْلُ بَيْتِي ، وَانَّهُمَا

لَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ ؛

برای پس از خود دو جانشین برای شما برجای نهادم : کتاب خدا و عترت من ، که

همان اهل بیت من می باشند ، و آن دو هرگز از یکدیگر جدا نشوند تا در حوض

کوثر بر من وارد شوند .(۲)

۵_ مسند احمد حنبل

امام احمد بن حنبل ، متوفای ۲۴۱ ق . پیشوای حنابله ، در مسند خود حدیث ثقلین

را به چندین طریق روایت کرده است :

۱ . با سلسله اسنادش از « زید بن ارقم » دقیقاً همانند روایت « صحیح مسلم » .(۳)

۲ . با سلسله اسنادش از « ابوسعید خُدَری » از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود :

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ ، أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخِرِ :

كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَعِطْرَتِي أَهْلُ بَيْتِي .

وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرَقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ ؛

من در میان شما دو چیز گرانبها وانهادم که یکی از آنها از دیگری بزرگ تر است :

- ١- [١] . الطَّبَقَاتُ الْكُبْرَى ، ابن سعد ، ج ٢ ، ص ١٩٤ ، تحقيق احسان عبّاس ، دار بيروت ، بيروت ، ١٤٠٥ ق .
- ٢- [٢] . الْمَصْنُفُ ، ابن أبي شيبة ، ج ٧ ، ص ٤١٨ ، تحقيق سعيد محمّد لّخام ، دار الفكر ، بيروت ، ١٤٠٩ ق .
- ٣- [٣] . مسند احمد ، ج ٧ ، ص ٧٥ ، مسند كوفيين ، حديث زيد بن ارقم ، ح ١٩٢٨٥ ، تحقيق صدقي محمّد جميل عطار ، دارالفكر ، بيروت ، چاپ دوّم ، ١٤١٤ ق .

۱) کتاب خدا که ریسمانی کشیده شده از آسمان به سوی زمین است .

۲) عترت من ، که همان اهلبیت من می باشند .

این دو هرگز از یکدیگر جدا نشوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند .(۱)

۳ . با سلسله اسنادش از طریقی دیگر از « ابوسعید خدری » قریب به همین

مضمون ، با اندکی تغییر در تعبیر .(۲)

۴ . با سلسله اسنادش از طریقی دیگر از « ابوسعید خدری » دقیقاً مطابق متنی که از

« طبقات ابن سعد » روایت کردیم .(۳)

۵ . با سلسله اسنادش از « زید بن ثابت » از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود :

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ خَلِيفَتَيْنِ : كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ _ او

مَا بَيْنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ _ وَعِترتی أَهْلِ بیتی وَإِنَّهُمَا لَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا

عَلَى الْحَوْضِ ؛

من در میان شما دو جانشین گذاشتم :

۱) کتاب خدا که ریسمانی کشیده شده در میان آسمان و زمین [یا از آسمان به

سوی زمین] است .

۲) عترت من ، که همان اهل بیت من می باشند .

این دو هرگز از یکدیگر جدا نشوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند .(۴)

۶ . نزدیک به همین مضمون از طریق ابوسعید خدری .(۵)

۶_ سنن دارمی

عبدالله بن عبدالرحمن دارمی ، متوفای ۲۵۵ ق . حدیث ثقلین را با سلسله

- ١- [١]. همان، ج ٤، ص ٣٠؛ مسند ابوسعید خدری، ح ١١١٠٤.
- ٢- [٢]. همان، ص ٥٤، ح ١١٢١١.
- ٣- [٣]. همان، ص ٣٧، ح ١١١٣١.
- ٤- [٤]. همان، ج ٨، ص ١٣٨، حدیث زید بن ثابت، ح ٢١٦٣٤.
- ٥- [٥]. همان، ج ٤، ص ١١٨، مسند ابی سعید خدری، ح ١١٥٦١.

اسنادش ، از طریق زید بن ارقم روایت کرده که دقیقاً با حدیث اوّل که از صحیح مسلم

نقل کردیم مطابق است. (۱).

۷_ خصائص نسائی

احمد بن شعيب نسائی ، صاحب کتاب « سنن نسائی » متوفای ۳۰۳ ق . در کتاب

خصائص خود ، حدیث ثقلین را با سلسله اسنادش از زید بن ارقم در فرازی از

خطبه ی غدیر ، که به هنگام بازگشت از « حجه الوداع » پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سرزمین

« غدیر خم » ایراد فرموده است ، نقل کرده :

كأني قد دُعيتُ فأجبتُ ، إني تركت فيكم الثقلين ، أحدهما أكبر من الآخر :

كتاب الله وعترتي ، فانظروا كيف تخلفوني فيهما ، فإنهما لن يتفرقا حتى يردا

عليّ الحوض ؛

گویی اجلم فرارسیده ، دعوت حق را لبیک خواهم گفت ، من در میان شما دو چیز

گرانها وانهادم ، که یکی از آنها بزرگتر از دیگری است : کتاب خدا و عترت من .

پس نیک بنگرید که چگونه جانشین من خواهید بود در مورد آن دو . که آنها هرگز

از یکدیگر جدا نمی شوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند. (۲).

سنن نسائی گزیده ای از کتاب « السنن الكبرى » نسائی می باشد و کتاب « خصائص »

نیز بخشی از کتاب « سنن کبری » می باشد. (۳).

۸_ الذریه الطاهره

ابوبشر محمد بن احمد دولابی ، متوفای ۳۱۰ ق . در کتاب « الذریه الطاهره »

حدیث ثقلین را با سلسله اسنادش از حضرت علی علیه السلام روایت کرده که رسول

- ١- [١]. سنن دارمی ، ج ٢ ، ص ٤٣١ ، به اهتمام محمداحمد دهمان ، دارالکتب العلمیه ، بیروت .
- ٢- [٢]. خصائص امیرالمؤمنین ، نسائی ، ص ٧١ ، ح ٧٩ ، تحقیق ابو عبداللہ دانی ، المكتبة العصریہ ، بیروت ، ١٤٢٢ ق .
- ٣- [٣]. سیر أعلام النبلاء ، ذهبی ، ج ١٤ ، ص ١٣٣ ، تحقیق شعيب ارنؤط ، مؤسسہ الرسالہ ، بیروت ، چاپ هشتم ، ١٤١٢ ق .

اکرم صلی الله علیه و آله در فرازی از خطبه ی معروفش در سرزمین « غدیر خم » فرمود :

إِنِّي تَرَكْتُ فِيكُمْ مَا إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِ لَمْ تَضَلُّوا ، كِتَابَ اللَّهِ وَأَهْلَ بَيْتِي ؛

من در میان شما چیزی وانهادم که اگر آن را محکم بگیرید گمراه نمی شوید : کتاب

خدا و اهل بیت من .(۱)

۹_ معجم طبرانی

ابوالقاسم سلیمان بن احمد طبرانی ، متوفای ۳۶۰ ق . در کتاب « معجم کبیر » خود

حدیث ثقلین را از طرق مختلف نقل کرده ، از جمله :

۱ . با سلسله اسنادش از « زید بن ثابت » از رسول اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود :

إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ خَلِيفَتَيْنِ : كِتَابَ اللَّهِ وَأَهْلَ بَيْتِي ، وَإِنَّهُمَا لَمْ يَفْتَرِقَا حَتَّى

يُرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ ؛

من در میان شما دو جانشین برجای نهادم : کتاب خدا و اهل بیت من ، که از یکدیگر

جدا نمی شوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند .(۲)

۲ . همین حدیث را از طریق دیگر روایت کرده ، که در آن به جای : « اهل بیتی »

تعبیر : « عترتی » آمده است .(۳)

۳ . با سلسله اسنادش از « زید بن ثابت » از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود :

إِنِّي تَارَكْتُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مِنْ بَعْدِي : كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَعِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي ،

وَإِنَّهُمَا لَمْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يُرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ ؛

من در میان شما برای پس از خود دو چیز گرانبها می گذارم : کتاب خدای عزوجل

ص: ۱۲

- ٢- [٢]. معجم كبير طبراني ، ج ٥ ، ص ١٥٣ ، ح ٤٩٢١ ، تحقيق حمدي عبدالمجيد سلفي ، دار احياء التراث العربي ، بيروت ،
چاپ دوم ، ١٤٠٥ ق .
- ٣- [٣]. همان ، ص ١٥٤ ، ح ٤٩٢٢ .

و اهل بیت خودم ، که هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند تا در حوض کوثر بر من وارد

شوند. (۱)

۴. عین همین حدیث را با دو طریق دیگر از « زید بن ارقم » از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

روایت کرده است. (۲)

۵. با سلسله اسنادش متن دیگری را از « زید بن ارقم » از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت

کرده که فرمود :

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ : كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي ، فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلُفُونِي فِيهِمَا ؛

من در میان شما دو چیز گرانبها نهادم : کتاب خدا و عترت من ، پس خوب بنگرید

که چگونه جانشین من برای آن دو خواهید بود. (۳)

۶. دو متن دیگر با سلسله اسنادش مطابق حدیث اول که از صحیح مسلم نقل

کردیم ، روایت کرده است. (۴)

طبرانی علاوه بر معجم کبیر در « معجم صغیر » نیز حدیث ثقلین را به دو طریق

روایت کرده :

۱. با سلسله اسنادش از ابوسعید خُدَری ، مطابق دوّمین حدیث احمد حنبل. (۵)

۲. با سلسله اسنادش از ابوسعید خُدَری از رسول اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود :

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ ، مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِ لَنْ تَضَلُّوا : كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي ،

وَأَنْهَمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ ؛

من در میان شما دو چیز گرانبها گذاشتم ، که اگر به آن چنگ بزنید هرگز گمراه

نمی شوید ، کتاب خدا و عترت من . که آنها هرگز از یکدیگر جدا نشوند تا در

حوض کوثر بر من وارد شوند. (۶)

-
- ١- [١]. همان ، ح ٤٩٢٣ .
 - ٢- [٢]. همان ، ص ١٧٠ ، ح ٤٩٨٠ و ٤٩٨١ .
 - ٣- [٣]. همان ، ص ١٨٢ ، ح ٥٠٢٥ .
 - ٤- [٤]. همان ، ح ٥٠٢٦ و ٥٠٢٨ .
 - ٥- [٥]. معجم صغير طبرانی ، ص ١٥٨ ، ح ٣٦٤ ، تحقيق محمدسليم ابراهيم سماره ، دار احياء التراث العربي ، بيروت .
 - ٦- [٦]. همان ، ص ١٦٣ ، ح ٣٧٧ .

حاکم نیشابوری متوفای ۴۰۵ ق. در مستدرک خود بر صحیحین حدیث ثقلین را

از چند طریق روایت کرده است :

۱. با سلسله اسنادش از « زید بن ارقم » روایت کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به هنگام

بازگشت از « حَجَّه الوداع » در سرزمین « غدیر خُم » فرود آمده ، فرمان داد که آنجا را

تمیز کنند ، سابیانی بزنند ، آنگاه خطبه ی معروف خود را ایراد نمود .

متن خطبه ی غدیر بسیار طولانی است ، فرازی از آن را در ضمن « خصائص

نسائی » آوردیم .

حاکم نیز این فراز را دقیقاً مطابق روایت خصائص نسائی آورده است .(۱)

۲. با سلسله اسنادش متن دیگری را از « زید بن ارقم » نقل کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

در میان مکه و مدینه ، در سرزمینی که پنج درخت بزرگ بود فرود آمد ، مردم زیر

درختان را تمیز کردند ، پس از اقامه ی نماز مغرب به ایراد خطابه پرداخته ، بعد از

حمد و ثنای پروردگار و پند و اندرز مردمان ، مطالب فراوانی بیان کردند ، آنگاه فرمودند :

أَيُّهَا النَّاسُ ! إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ لَنْ تَضِلُّوا إِنْ اتَّبَعْتُمُوهُمَا ، وَهُمَا : كِتَابُ اللَّهِ

وَاهْلُ بَيْتِي عِترتی ؛

هان ای مردمان ، من در میان شما دو چیز وانهادم که اگر از آنها پیروی کنید هرگز

گمراه نمی شوید ، آن دو عبارتند از : کتاب خدا و اهل بیت من ، که همان عترت من

می باشند .(۲)

حاکم پس از نقل هر دو متن تأکید کرده که سند این دو روایت براساس معیار

بخاری و مسلم صحیح می باشد .

-
- ١- [١]. المستدرک علی الصّحیحین ، حاکم نیشابوری ، ج ٣ ، ص ١٠٩ ، تحقیق سید هاشم ندوی ، دارالفکر ، بیروت ، ١٣٩٨ ق .
ق . افست چاپ حیدرآبد دکن ، ١٣٣٥ ق .
- ٢- [٢]. همان ، ص ١١٠ .

۳. با سلسله اسنادش از « زید بن ارقم » از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود :

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ التَّقْلِينَ ، كِتَابَ اللَّهِ وَأَهْلَ بَيْتِي ، وَإِنَّهُمَا لَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا

عَلَى الْحَوْضِ ؛

من در میان شما دو چیز گرانبها گذاشتم : کتاب خدا و اهل بیتم ، که هرگز از

یکدیگر جدا نشوند ، تا در حوض کوثر بر من وارد شوند . (۱)

* * *

این بود قطره ای از دریا ، اندکی از بسیار و مشتی از خروار ، که در کتب صحاح ،

سنن ، مسانید ، معاجم و دیگر کتب پایه و مرجع اهل تسنن ؛ قرائت مشهور ، مقبول ،

مستفیض ، بلکه متواتر « حدیث ثقلین » که در آن « عترت » و « اهل بیت » همسنگ قرآن

کریم بیان شده ، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در موقف های حساس ، از جمله به هنگام بازگشت از

طائف در سال هشتم هجرت ، در روز عرفه در حجه الوداع ، در روز عید غدیر در

سرزمین غدیر خم ، در آستانه ی ارتحال در مسجد النبی و در بستر مرگ ، در حضور

هزاران تن از اصحاب و یاران بیان فرموده و نوید داده که آنها هرگز از یکدیگر جدا

نمی شوند تا در حوض کوثر بر آن حضرت وارد شوند .

آنچه تقدیم گردید فقط به عنوان تبرک و نمونه بود ، و اگر بخواهیم در منابع

حدیثی ، تفسیری ، رجالی ، تاریخی و کتب سیره و تراجم دنبال کنیم به دهها برابر

افزایش یافته ، به تدوین چندین مجلد نیازمند خواهیم بود .

در کتاب شریف « نفحات الأزهار » حدیث شریف ثقلین مطابق قرائت صحیح و

مشهور از ۱۸۷ طریق ، از منابع مورد اعتماد و استناد اهل سنت نقل شده و بررسی

سندی شده است . (۲)

در بخش الحاقی آن که به قلم نادره زمان حضرت آیه الله حاج سید عبدالعزیز

طباطبائی قدس سره نگاشته شده، از ۱۲۶ طریق دیگر روایت شده است. (۳)

ص: ۱۵

۱- [۱]. همان، ص ۱۴۸.

۲- [۲]. نفحات الأزهار فی خلاصه العبقات الأنوار، سید علی میلانی، نشر آلاء، قم، ۱۴۲۳ ق. ج ۱، صص ۲۱۰ - ۴۹۶.

۳- [۳]. همان، ج ۲، صص ۹۸ - ۲۲۱.

محقق طباطبائی در این بخش الحاقی اسامی راویان حدیث ثقلین را قرن به قرن

آورده و تواتر آن را از عهد صحابه تا عصر حاضر در جمیع طبقات اثبات نموده است. (۱)

این بود اشاره ای کوتاه به سیر تاریخی « حدیث ثقلین » براساس قرائت مشهور:

« کتاب الله وعترتی » .

ص: ۱۶

۱- [۱]. همان، ج ۲، صص ۸۷_ ۹۷.

یکی از شیوه های رایج در میان مخالفان اهل بیت عصمت و طهارت شبیه سازی فضایل و مناقب اهل بیت علیهم السلام می باشد .

در برابر هر فضیلتی که از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد فضایل و مناقب خاندان عصمت و طهارت صادر شده ، کارخانه های شبیه سازی به کار افتاده ، بدلی و تقلبی آن تولید شده ، در سوق مسلمین عرضه شده ، با حمایت همه جانبه ی دشمنان اهل بیت ، خصوصاً امویان ، روتق گرفته ، رواج یافته ، به منابع حدیثی رخنه کرده ، با نقض و ابرام ، ردّ و قبول مشهور شده ، در برابر مناقب اصیل و فضایل راستین خودنمایی کرده است .

به عنوان یک نمونه :

در برابر حدیث مشهور ، مستفیض و متواتر : « الحسن و الحسین سیدا شباب اهل الجنة » حدیث مجعول و تقلبی : « فلان و فلان سیدا کهول اهل الجنة » وارد بازار شده است !!

بحث شبیه سازی احادیث بحث جالب ، جاذب ، مفید و گسترده ای است که به تألیف چند مجلد نیاز دارد .

تقریباً در برابر همه ی احادیث مربوط به فضایل و مناقب اهل بیت حدیث مشابهی

برای یکی از مخالفان آنها جعل شده است .

حدیث شریف « ثقلین » نیز از این آفت مصون نمانده ، در برابر قرائت مشهور ،

مستفیض و متواتر : « کتاب اللّٰه و عترتی » بدل و تقلّبی آن به عنوان : « کتاب اللّٰه و سنّتی » به

بازار آمده است ، که در این بخش از مقاله به بررسی سندی و محتوایی آن می پردازیم :

ص: ۱۸

اولین منبعی که قرائت شاذ و نادر: « کتاب الله و سنتی » در آن درج شده ، کتاب «الموطأ» امام مالک است که بعدها مستندسازی شده ، با اسناد ضعیف ، مجعول و بی اعتبار در منابع حدیثی اهل سنت آمده ، که به تفصیل نقد و بررسی خواهد شد .

آخرین منبعی که آن را آگراندیسمان کرده ، با لحن تند و ناهنجاری مطرح کرده ، یکی از مجلات دو ماهه است ، که به عنوان مصاحبه با یکی از شیفتگان زرق و برق امویان و دلدادگان تمدن بنی امیه !! درج کرده ، که هر پاراگراف آن به نقد دقیق و رد گسترده نیاز دارد ، که ما به نقد یک پاراگراف آن می پردازیم :

« بزرگ ترین مانع فکری برای این نوع روشنفکری آن است که کسی بر « عترت » جمود بورزد و بگوید : قرآن و عترت !! » .

مجری مصاحبه متوجّه اشتباه عمدی وی شده می گوید :

تأکید فقیهان شیعه بر « عترت » شاید بدین جهت باشد که در حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله
واژه « عترتی » آمده است ...

ایشان به لجاجت خود ادامه داده می گوید :

به یقین در روایت هم واژه « سنتی » بوده و هم « عترتی » !! (۱)

ما افتخار می کنیم که تسلیم فرمان و مطیع محض اوامر پروردگار هستیم و آنچه از
رسول اکرم صلی الله علیه و آله با اسناد صحیح در منابع اصیل اسلامی به دست ما رسیده ، با همه ی
سؤللهای وجودمان پذیرا هستیم و در حدّ توان به اجرای فرمان تلاش می کنیم ،
اگرچه بیماردلان آن را « جمود فکری » بدانند و این واژه دلنشین و روح نواز : « عترت »
همانند استخوانی در گلوی آنها گیر کند .

و اینک تلاش گسترده ای در مورد این قرائت شاذ و نادر : « کتاب الله و سنتی »

نموده ، نتیجه ی تحقیقات خود را در اینجا تقدیم می کنیم و از این استاد بزرگوار

می خواهیم که بیش از این به حریم شکنی ادامه ندهند و حوزویان را مجبور نکند که به

جای معارضه با دشمن مشترک ، به نقد اشتباهات عمدی وی وقت هزینه کنند .

و اینک بررسی منابع این قرائت شاذّ و نادر به ترتیب تسلسل زمانی :

* * *

۱. امام مالک

نخستین کسی که حدیث ثقلین را با قرائت شاذّ و نادر نقل کرده ، پیشوای

مالکی ها ، مالک بن انس ، متوفای ۱۷۹ ق . می باشد .

او در کتاب « الْمُوطَّأ » بدون ذکر هیچ سندی می نویسد :

به من رسیده است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده :

ص: ۲۰

۱- [۱]. مجله « حوزه » سال ۲۴، شماره ۳، مسلسل ۱۴۱، ص ۳۶.

« ترکت فیکم آمرین ، لن تزلوا ما مسکتکم بهما ، کتاب اللہ وسنہ نبیہ » ؛

من در میان شما دو چیز وانهادم ، تا هنگامی که به آن دو چنگ بزید هرگز گمراه

نخواهید شد : (۱) کتاب خدا ؛ (۲) سنت پیامبر خدا . (۱)

امام مالک کتاب « الموطأ » را در مدت چهل سال تألیف کرده ، مکرر آن را منقح

کرده و احادیث سست و بی پایه را به قدر امکان از آن انداخته است ، از این جهت آن را

به نام « الموطأ » به معنای « منقح » نامیده است .

وی نخست در آن ۹۰۰۰ حدیث گرد آورده ، هر بار که آن را مرور کرده ، شماری از

آنها را انداخته و در پایان به ۷۰۰ حدیث تقلیل یافته است . (۲)

در نسخه ای که براساس نسخه ی محمد بن حسن شیبانی تحقیق شده ، سه بار در

هند و دو بار در قاهره منتشر شده ، حدیث فوق یافت نشد .

و این بدان معناست که امام مالک در تحقیقات اخیرش آن را حذف کرده است .

ابن حزم می گوید : من همه ی احادیث « الموطأ » را برشمردم ، جمعاً ۵۰۰ و اندی

حدیث مسند ، ۳۰۰ و اندی حدیث مرسل بود و بیش از ۷۰ حدیث در آن هست که

مالک خودش به آن عمل نکرده و در آن احادیث ضعیفی هست که جهمور فقها آن را

تضعیف کرده اند . (۳)

ولی در نسخه ای که براساس نسخه ی یحیی بن یحیی بن کثیر محمودی ، توسط

محمدفؤاد عبدالباقی تحقیق و منتشر شده ، این حدیث آمده است .

بررسی حدیث یاد شده :

این حدیث به هیچ وجه قابل اعتماد و استناد نیست ، زیرا :

- ۱- [۱]. الموطأ، ج ۲، ص ۸۹۹، مالک بن انس، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، افسست چاپ قاهره، ۱۳۷۰ ق.
- ۲- [۲]. الموطأ، ص ۱۲، مقدمه به قلم عبدالوهاب عبداللطیف، استاد دانشگاه الأزهر، چاپ دوم، المكتبة العلمیه، ۱۳۹۹ ق قاهره.
- ۳- [۳]. همان، ص ۱۹ به نقل از «ابن حزم» در کتاب «مراتب الدیانة».

أولاً: سند ندارد .

ثانياً: خود مالک آن را از نسخه های اخیر کتابش انداخته است .

ثالثاً: سیوطی این حدیث را از احادیث جعلی برشمرده است .(۱)

رابعاً: ابن عبدالبرّ که کتاب «الموطأ» را مستندسازی کرده ، سندی برای آن پیدا

کرده ، که در سند آن « کثیر بن عبدالله بن عمرو » قرار گرفته و او به هیچ وجه مورد اعتماد

نیست ، چنانکه در ضمن حدیث ششم به بررسی او خواهیم پرداخت .

خامساً: در این حدیث بر تمسک به قرآن و سنت تأکید شده ، در حالی که سنت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله توسط متولیان امر نقض شد ، چنانکه پس از حدیث دهم به طور

مشروح ارزیابی خواهیم نمود .

۲. ابن هشام

دومین منبعی که حدیث ثقلین را با قرائت شاذ و نادر آورده ، کتاب : « الشیره

النّبویه » ابن هشام ، متوفای ۲۱۳ ق . می باشد ، که فرازی از خطبه ی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در

حجّه الوداع را چنین آورده است :

« وقد ترکت فیکم ما إن إعتصمتم به فلن تضلّوا أبداً ، أمراً بیناً ، کتاب الله

وسنّه نبیه » ؛

من چیزی را در میان شما وانهادم که اگر به آن چنگ بزنید هرگز گمراه نمی شوید ،

آن امری روشن : کتاب خدا و سنت پیامبرش می باشد .(۲)

بررسی حدیث دوم :

این حدیث نیز قابل استناد و اعتماد نیست ، زیرا :

- ١- [١]. اللثالى المصنوعه ، ج ١ ، ص ٨٦ ، جلال الڤڤن سىوطى ، تحقيق ابو عبدالرحمن صلاح بن محمد بن عوىضه ، دار الكتب العلميه ، بيروت ، ١٤١٧ ق .
- ٢- [٢]. السيره النبويه ، ج ٦ ، ص ١٠ ، ابن هشام ، تحقيق طه عبدالرؤف سعد ، دارالجيل ، بيروت .

اولاً: سند ندارد.

ثانیاً: در این متن نیز بر چنگ زدن به قرآن و سنت تأکید شده، در حالی که سنت از سوی متولیان امر خلافت نقض گردیده است.

۳. دار قطنی

نخستین منبعی که حدیث ثقلین را با قرائت شاذ و نادر همراه با سند آورده، «سنن دار قطنی» متوفای ۳۸۵ ق. می باشد.

دار قطنی در سنن خود، از ابوبکر شافعی، با سلسله اسنادش از ابوهریره، از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

«خَلَّفْتُ فِيكُمْ شَيْئَيْنِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدَهُمَا: كِتَابَ اللَّهِ وَسُنَّتِي، وَلَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّىٰ

يُرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ»؛

دو چیز در میان شما بر جای نهادم که پس از آن دو هرگز گمراه نشوید، (۱) کتاب

خدا؛ (۲) سنت من، آن دو هرگز از یکدیگر جدا نشوند تا در حوض کوثر بر من

وارد شوند. (۱)

بررسی حدیث سوّم:

این متن نیز قابل اعتماد و استناد نیست، زیرا:

اولاً: در سند آن «صالح بن موسی» قرار گرفته و او را احدی از علمای رجال توثیق

نکرده است.

و اینک خلاصه گفتار علمای رجال در حق او:

(۱) جوزجانی: حدیثش ضعیف است.

(۲) ابوحاتم: حدیثش ضعیف است، به شدت مُنکَر است و منکرات فراوانی را

۱- [۱]. سنن دارقطنی، ج ۴، ص ۲۴۵، علی بن عمر دارقطنی، تحقیق سید عبدالله هاشم یمانی، با پاورقیهای شمس الحق عظیم آبادی، دارالمحاسن، قاهره، ۱۳۸۶ ق.

نقل کرده به افراد مورد اعتماد نسبت داده است. (۱)

(۳) بخاری : منکر الحدیث است. (۲)

(۴) ابن معین : به چیزی نمی ارزد ، ثقه نیست و حدیثش نوشته نمی شود .

(۵) نسائی : ضعیف و متروک الحدیث است .

(۶) ابن عدی : با این همه احادیثی که نقل کرده ، کسی از او پیروی نکرده .

(۷) ترمذی : برخی از اهل علم درباره اش سخن ها گفته اند .

(۸) احمد حنبل : نمی دانم .

(۹) عقیلی : از هیچ یک از احادیث نمی توان پیروی کرد .

(۱۰) ابن حبان : از افراد موثق چیزهایی نقل می کند که شباهتی به روایت افراد

موثق ندارد ، احتجاج به سخنان او جایز نیست .

(۱۱) ابونعیم : متروک است ، روایات منکر نقل می کند. (۳)

(۱۲) ذهبی : ضعیف است (۴) نمی توان به سخنانش احتجاج نمود. (۵)

ثانیاً : در این حدیث پیشگویی شده که قرآن و سنت هرگز از یکدیگر جدا

نخواهند شد ، در حالی که به دست متولیان امر ، سنت پیامبر از قرآن جدا گردید .

در این رابطه به تفصیل سخن خواهیم گفت .

۴. حاکم نیشابوری

بعد از دارقطنی دومین کسی که حدیث ثقلین را با قرائت شاذ و نادر آن روایت

ص: ۲۴

۱- [۱] . الجرح و التّعدیل ، ج ۴ ، ص ۴۱۵ ، ابن اَبی حاتم رازی ، تحقیق عبدالرحمن بن یحیی معلمی یمانی ، دار احیاء التراث العربی ، بیروت ، اُفت چاپ حیدرآباد دکن ، ۱۳۷۱ ق .

۲- [۲] . التاریخ الکبیر ، ج ۴ ، ص ۲۹۱ ، بخاری ، دار الکتب العلمیه ، بیروت ، ۱۴۰۷ ق . اُفت چاپ حیدرآباد دکن ، ۱۳۶۰

ق .

٣- [٣] . تهذيب التهذيب ، ج ٢ ، ص ٥٤٠ ، ابن حجر عسقلاني ، دار احياء التراث العربي ، بيروت ، ١٤١٢ ق .

٤- [٤] . ميزان الاعتدال ، ج ٢ ، ص ٣٠٢ ، ذهبي ، تحقيق علي محمد بجاوي ، دار الفكر ، بيروت ، افسط چاپ مصر ، ١٣٨٢ ق .

٥- [٥] . سير أعلام النبلاء ، ج ٨ ، ص ١٨٠ ، ذهبي ، تحقيق شعيب أرنؤوط ، مؤسسه الرساله ، بيروت ، چاپ هشتم ، ١٤١٢ ق .

کرده ، حاکم نیشابوری ، متوفای ۴۰۵ ق . است ، که در کتاب « المستدرک علی

الصّحیحین » آن را به دو طریق نقل کرده است :

(۱) با سلسله اسنادش از ابن عباس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، در فرازی از خطبه ی آن

حضرت در حجّه الوداع :

« یا أيّها النّاس ! إنّی قد ترکت فیکم ما إن إعتصمتم به فلن تضلّوا أبداً :

کتاب الله وسنّه نبیه » ؛

هان ای مردمان ، من در میان شما چیزی را وانهادم که اگر به آن چنگ بزنید ، هرگز

گمراه نمی شوید : کتاب خدا و سنّت پیامبرش . (۱)

بررسی این متن :

این متن نیز مورد اعتماد و استناد نیست ، زیرا :

« اسماعیل بن ابی اویس » در سند آن قرار گرفته ، که ابن حجر عسقلانی در مورد

او می نویسد :

(۱) ابن ابی خثیمه : او راستگو ولی سبک مغز است ، حدیث را نمی شناسد و راه

نقل آن را نمی داند .

(۲) معاویه بن صالح : او و پدرش هر دو ضعیف هستند .

(۳) ابن معین : او و پدرش هر دو حدیث را می دزدیدند ، او به دو پول نمی ارزد .

(۴) یحیی : حدیث را خلط می کرد و دروغ می بافت ، به چیزی نمی ارزد .

(۵) ابوحاتم : راستگو ولی خیره سر بود .

(۶) نسائی : ضعیف و غیرمورد اعتماد بود .

(۷) ابن عدی : از دائی اش (مالک) احادیث عجیب و غریبی نقل کرده ، که احدی از

او پیروی نکرده است .

ص: ۲۵

۱- [۱] . المستدرک علی الصّحیحین ، ج ۱ ، ص ۹۳ ، حاکم نیشابوری ، تحقیق سید هاشم ندوی ، دارالفکر ، بیروت ، ۱۳۹۸ ق . افست چاپ حیدرآباد دکن ، ۱۳۳۵ ق .

۸) عقیلی او را در میان ضعفاء نام برده .

۹) دولابی نیز او را در میان ضعفاء یاد کرده است .

۱۰) دارقطنی : من او را در ردیف صحیح نمی پذیرم .

۱۱) خلیلی در ارشاد : وی ۲۰ درهم از تاجری رشوه گرفت و جامه ی

۵۰ درهمی اش را به امیر به یکصد درهم فروخت .

۱۲) اسماعیلی در مدخل : او به قدری سبک مغز بود که نمی خواهم از او نام ببرم .

۱۳) ابن حزم در محلی : او حدیث جعل می کرد .

۱۴) سلمه بن شیب : او به من گفت : در مواردی که اهل مدینه با یکدیگر اختلاف

دارند ، من برای آنها حدیث جعل می کنم !!

۱۵) براقانی : چون نسائی بر این داستان (اعتراف او به جعل حدیث) واقف شد ،

از او پرهیز کرد و حدیثی از وی نقل نکرد و گفت : او مورد اعتماد نیست . (۱)

حاکم پس از نقل متن فوق می نویسد : ذکر تمسک به سنت در این خطبه جای

شگفت است .

آنگاه برای رفع شگفتی آن می نویسد :

من برای این حدیث شاهی از روایت ابوهریره پیدا کرده ام :

۲) ابوبکر بن اسحاق با سلسله اسنادش از ابوهریره ، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت

کرده که فرمود :

«إني تركت فيكم شيئين لن تضلوا بعدهما : كتاب الله وسنتي ، ولن يتفرقا

حتى يردا علي الحوض ؛

من در میان شما دو چیز وانهادم که پس از آن دو هرگز گمراه نشوید : ۱) کتاب

خدا؛ ۲) سنت من، که هرگز از یکدیگر جدا نشوید، تا در حوض کوثر بر من وارد

شوند. (۲)

ص: ۲۶

۱- [۱]. تهذیب التّهذیب، ج ۱، ص ۱۹۷.

۲- [۲]. مستدرک، همان.

این شاهد نیز غرابت متن پیشین را رفع نمی کند ، زیرا :

اولاً : در سند این متن « صالح بن موسی » قرار گرفته ، که همه ی علمای رجال بر

ضعیف بودن او اتفاق نظر دارند و ما تعبیر ۱۲ تن از آنها را در ذیل حدیث سوم

(حدیث دارقطنی) نقل کردیم .

ثانیاً : در این متن نیز بر جدا نشدن قرآن و سنت از یکدیگر تأکید شده ، در حالی که

به دست متولیان امر از یکدیگر جدا شدند .

۵. بیهقی

بعد از حاکم ، ابوبکر بیهقی ، متوفای ۴۵۸ ق . نیز قرائت شاذ و نادر حدیث ثقلین را

به دو طریق در سنن خود آورده :

(۱) از طریق « ابن ابی اویس » از ابن عباس ، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود :

« يا أَيُّهَا النَّاسُ ! إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ مَا إِنْ اِعْتَصَمْتُمْ بِهِ فَلَنْ تَضَلُّوا أَبَدًا ، كِتَابِ

اللَّهِ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِ » ؛

هان ای مردمان ، من در میان شما چیزی وانهادم که اگر به آن چنگ بزنید هرگز

گمراه نمی شوید : کتاب خدا و سنت پیامبر خدا . (۱)

(۲) از طریق « صالح بن موسی » از ابوهریره ، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود :

« إِنِّي قَدْ خَلَّفْتُ فِيكُمْ مَا لَنْ تَضَلُّوا بَعْدَهُمَا ، مَا أَخَذْتُمْ بِهِمَا ، أَوْ عَمَلْتُمْ بِهِمَا :

کتاب الله و سنتی ، ولن تفرقا حتی یردا علی الحوض » ؛

من در میان شما دو چیز برجای نهادم که تا هنگامی که آنها را محکم گرفته به آنها

عمل کنید هرگز گمراه نمی شوید : (۱) کتاب خدا ؛ (۲) سنت من ، آن دو هرگز از

یکدیگر جدا نمی شوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند . (۲)

١- [١]. السنن الكبرى، ج ١٠، ص ١١٤، ابوبكر بيهقي، دار الفكر، بيروت، افست چاپ حيدرآباد دكن .

٢- [٢]. السنن الكبرى، همان .

بررسی این دو متن :

این دو متن نیز قابل اعتماد و استناد نمی باشند ، زیرا :

در متن نخستین « ابن ابی اویس » قرار گرفته ، که کلمات علمای رجال را پیرامون او در ذیل حدیث چهارم (حدیث مستدرک) آوردیم .

در متن دوم نیز « صالح بن موسی » در سندش قرار گرفته ، که جایگاه او را از نظر ضعف و بی اعتباری در ذیل حدیث سوم (حدیث دارقطنی) بیان کردیم .

از نظر محتوا نیز مورد اعتماد نمی باشد ، زیرا :

اولاً : در این دو متن به چنگ زدن و عمل کردن به قرآن و سنت تأکید شده و چنین چیزی از سوی متولیان امر اتفاق نیفتاد .

ثانیاً : در متن دوم بر جدا نشدن قرآن و سنت تأکید شده که توسط متولیان امر جدایی افتاد .

ثالثاً : با قرائت صحیح و رائج حدیث ثقلین سازگاری ندارد که خود بیهقی حدیث ثقلین را به تعبیر : « کتاب الله و اهل بیتی » از طریق ابوحنیان تیمی روایت کرده و بر صحت آن تصریح کرده است . (۱)

۶. ابن عبدالبرّ

ابن عبدالبرّ ، صاحب کتاب « الاستیعاب » متوفای ۴۶۳ ق . به مستندسازی کتاب

« الموطأ » پرداخته و مجموعه گسترده ای به نام « التمهید لما فی الموطأ من المعانی

والاسانید » تألیف کرده و همه ی احادیث مرسل کتاب الموطأ را _ به جز چند مورد _

مستند کرده است ، از جمله برای متن قرائت شاذّ و نادر که در آغاز این بخش از امام

مالک نقل کردیم سندی از طریق : « کثیر بن عبدالله قرطبی » پیدا کرده است . (۲)

١- [١]. همان .

٢- [٢]. التمهيد لما في الموطأ من المعاني والأسانيد، ج ٢٤، ص ٣٣١، تحقيق مصطفى بن احمد علوي و محمد عبدالكبير بكري، وزارت اوقاف، مغرب، ١٣٨٧ ق .

بررسی سند این متن :

این متن و سند نیز قابل اعتماد و استناد نمی باشد ، زیرا :

أولاً : کثیر بن عبدالله قرطبی در سند آن قرار گرفته که همه ی علمای رجال بر

ضعف او اتفاق نظر دارند و اینک متن تعبیر بزرگان حوزه رجال :

(۱) احمد حنبل : منکر الحدیث است ، به چیزی نمی ارزد .

(۲) احمد حنبل به ابوخیثمه : چیزی از او روایت نکن .

(۳) ابن معین : ضعیف الحدیث است ، به چیزی نمی ارزد .

(۴) ابوداود : او یکی از دروغ گویان بود .

(۵) شافعی : وی یکی از دروغ پردازان بود .

(۶) ابوزرعه : سست حدیث بود .

(۷) ابوحاتم : استوار نبود .

(۸) نسائی : متروک الحدیث بود و مورد اعتماد نبود .

(۹) دارقطنی : متروک الحدیث بود .

(۱۰) ابن حبان : متن نوشتاری ساختگی از پدرش ، از جدش روایت کرده ، که نقل

آن در کتاب جایز نیست ، مگر برای اظهار تعجب .

(۱۱) مطرف : احدی از اصحاب ما از او حدیث نقل نمی کرد .

(۱۲) ابن عبدالبرّ : بر ضعف او اتفاق نظر هست . (۱)

ثانیاً : در این متن بر تمسک به قرآن و سنت تأکید شده که چنین امری از سوی

متولیان امر اتفاق نیفتاد .

ثالثاً : مطابق نقل ابن حجر ، خود ابن عبدالبرّ بر ضعیف بودن کثیر بن عبدالله ادّعی

۱- [۱]. تهذيب التّهذيب ، ج ۴ ، ص ۵۸۳ .

۲- [۲]. همان ، ص ۵۸۴ .

عیاض بن موسیٰ یحصبی، مشهور به «قاضی عیاض» متوفای ۵۴۴ ق. در کتاب

«الإلماع» این متن را با قرائت شاذّ و نادر با سلسله اسنادش از ابوسعید خدری، از

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده است. (۱)

بررسی سند این متن:

این متن نیز قابل اعتماد و استناد نیست، زیرا شماری از راویان واقع در طریق آن

ضعیف هستند که فقط به یکی از آنها اشاره می‌کنیم و او «سیف بن عمر» است، که ابن

حجر عسقلانی متن گفتار علمای رجال را در حق او به شرح زیر آورده است:

(۱) ابن معین: ضعیف الحدیث است.

(۲) مزّه: در او خیری نیست.

(۳) ابوحاتم: متروک الحدیث است.

(۴) ابوداود: به چیزی نمی‌ارزد.

(۵) نسائی: ضعیف است.

(۶) دارقطنی: ضعیف و متروک است.

(۷) ابن عدی: برخی از احادیثش مشهور، ولی همه اش منکر است، کسی از او

پیروی نکرده.

(۸) ابن حبان: به زندیق بودن متهم بود، حدیث جعل می‌کرد و احادیث جعلی را

به بزرگان نسبت می‌داد.

(۹) حاکم: به زندقه متهم بود و روایاتش از درجه اعتبار ساقط است. (۲)

- ١- [١] . الإلماع فى ضبط الروايه و تقييد السّماع ، ص ٨ _ ٩ ، قاضى عياض ، تحقيق سيد احمد صقر ، دار التراث والمكتبه العتيقه ، قاهره _ تونس ، ١٣٧٩ ق .
- ٢- [٢] . تهذيب التّهذيب ، ج ٢ ، ص ٤٧٠ .

عبدالرحمن بن خلدون، متوفای ۸۰۸ ق. در مقدمه‌ی خود به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

نسبت داده که فرمود:

« ترکت فیکم أمرین، لن تضلّوا ما تمسکتُم بهما، کتاب اللّٰه وسنتی »؛

دو چیز در میان شما وانهادم، که تا هنگامی که به آن دو چنگ بزنید هرگز گمراه

نمی شوید: (۱) کتاب خدا؛ (۲) سنت من. (۱)

این متن نیز قابل اعتماد نیست، زیرا:

اولاً: سند ندارد.

ثانیاً: شرط تمسک دارد که عملاً نقض گردیده.

ثالثاً: ابن خلدون از مردان این میدان نیست و هر جا که در حوزه حدیثی سخن

گفته، فصاحت بار آورده، که یک مورد آن حوزه مهدویت است، که احادیث

مهدویت را زیر سؤال برده (۲) و یکی از بزرگان اهل سنت نقد عالمانه‌ای بر او نوشته و

سخنان بی پایه‌اش را پاسخ داده است. (۳)

ابن خلدون علیرغم اطلاعات گسترده‌اش در مسائل تاریخی می نویسد: شیعیان

دوازده امامی معتقدند که حضرت مهدی در خانه‌اش واقع در «حله» وارد سرداب

شده، در آنجا مخفی گردید!! .. آنگاه افسانه‌های فراوانی در این رابطه به شیعیان

نسبت داده است! (۴)

وی در اثر تعصب عجیبی که علیه اهل بیت دارد، در مورد چنگ صفین بحث کرده،

ص: ۳۱

۲- [۲]. همان ، ص ۳۱۱ _ ۳۱۲ .

۳- [۳]. إبراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون ، احمد بن محمد بن صدیق حصرمی ، متوفای ۱۳۸۰ ق . چاپ مطبعه ترقی

، دمشق ، ۱۳۴۷ ق . ۱۵۶ صفحه وزیری .

۴- [۴]. مقدمه ابن خلدون ، ص ۱۹۹ .

از معاویه دفاع کرده ، خلافت او را به اجماع امت دانسته و در مورد حضرت علی علیه السلام

بر نبودن چنین اجماعی تصریح کرده است. (۱)

وی در مورد فاجعه کربلا نیز اصحاب یزید را مجتهد و بر حق دانسته ، امام

حسین علیه السلام را به خطا نسبت داده است. (۲)

و لذا از امثال ایشان تعجیبی نیست که در مقابل حدیث ثقلین نیز به بدل سازی

پرداخته ، به جای « عترتی » ؛ « سنتی » نقل کند .

۹. سیوطی

جلال الدین سیوطی ، متوفای ۹۱۱ ق . در کتاب « خصائص » از بیهقی نقل کرده که

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حجّه الوداع فرمود :

« إسمعوا قولی ، فإنّی قد ترکت فیکم ما إن إعتصمتم به لن تضلّوا : کتاب الله

وسنتی » ؛

به سخن من گوش فرادهید ، من در میان شما چیزی وانهادم ام که اگر بر آن چنگ

بزنید هرگز گمراه نخواهید شد ، کتاب خدا و سنت من . (۳)

ضعف طریق بیهقی را در ذیل حدیث چهارم بررسی کردیم و در ذیل حدیث اول

یادآور شدیم که سیوطی آن را از احادیث ساختگی برشمرده است. (۴)

۱۰. متقی هندی

علاءالدین بن حسام الدین ، متقی هندی ، متوفای ۹۷۵ ق . در کتاب : « کنز العمال »

قرائت شاذ و نادر آن را از دو منبع قدیمی نقل کرده :

ص: ۳۲

٢- [٢] . همان ، ص ٢١٧ .

٣- [٣] . الخصائص الكبرى ، ج ٢ ، ص ٦٥ ، جلال الدين سيوطي ، دار الكتب العلميّه ، بيروت ، چاپ سوم ، ١٤٢٤ ق .

٤- [٤] . اللّآلي المصنوعه ، ج ١ ، ص ٨٦ .

۱) کتاب « الغیلانیات » از ابوبکر شافعی (۱)

۲) کتاب « الإبانة » از ابونصر سجزی (۲)

بررسی دو متن یاد شده :

هیچکدام از این دو متن فوق مورد اعتماد و استناد نیستند :

متن اول مورد اعتماد نیست ، زیرا :

اولاً : کتاب « الغیلانیات من أجزاء الأحادیث » تألیف ابوبکر شافعی ، متوفای

۳۵۴ ق . به دست ما نرسیده و متقی هندی سند آن را نقل نکرده است ، تا سند آن را

بررسی کنیم .

ثانیاً : اگر سند آن همان باشد که دارقطنی آن را به نقل از ابوبکر شافعی در سنن

خود آورده ، در طریق آن « صالح بن موسی » قرار گرفته و ما بی اعتبار بودن آن را در

ذیل حدیث سوم نقل کردیم .

ثالثاً : در این متن بر جدا نشدن قرآن و سنت از یکدیگر تأکید شده و آن عملاً اتفاق

نیفتاده است .

متن دوم نیز مورد اعتماد و استناد نیست ، زیرا :

اولاً : دو برادر در یک زمان زندگی می کردند که هر دو ملقب به : « سجزی » و مکئی

به : « ابونصر » بودند ، یکی : عبدالله بن سعید بن حاتم ، متوفای ۴۶۹ ق . و دیگری :

عبدالله بن سعید بن حاتم ، متوفای ۴۴۴ ق . و ما نمی دانیم که منظور متقی هندی از

« ابونصر سجزی » کدامین برادر است .

ثانیاً : هر یک از این دو برادر کتابی به نام « الإبانة » داشتند :

۱) الإبانة فی الردّ علی الزّافعین ، از عبدالله بن سعید بن حاتم

-
- ١- [١]. كترالعمال، ج ١، ص ١٧٣، متقى هندی، تحقیق بكرى حيانى و صفوه السقا، مؤسسه الرساله، بیروت، ١٤٠٩ ق.
- ٢- [٢]. همان، ص ١٨٧.

۲) الإبانة الكبرى فی مسأله القرآن ، از عبیدالله بن سعید بن حاتم (۱) و ما نمی دانیم که منظور از کتاب « الابانه » کدامین است .

ثالثاً: این کتابها به دست ما نرسیده و متقی هندی نیز سند آنها را برای ما نقل نکرده است .

رابعاً: مطابق نقل متقی هندی ، خود صاحب « الابانه » بر این حدیث تعلیقه زده و

شگفتی خودش را از بودن چنین حدیثی ابراز کرده است . (۲)

خامساً: متقی هندی خود در کنز العمال حدیث ثقلین را از ده ها منبع نقل کرده ، که

در همه آنها: « کتاب الله و عترتی » یا « کتاب الله و اهل بیتی » آمده است . (۳)

نقد و بررسی قرائت: کتاب الله و سنتی

از بررسی منابع حدیثی قرائت شاذ و نادر « کتاب الله و سنتی » هر فرد بانصافی به

این نتیجه می رسد که این قرائت به هیچ وجه قابل اعتماد و استناد نمی باشد ، زیرا:

۱. تعبیر: « کتاب الله و سنتی » در صحیحین نیامده ، در حالی که: « کتاب الله و اهل

بیتی » در صحیح مسلم آمده است . (۴)

۲. تعبیر: « کتاب الله و سنتی » در هیچ یک از سنن چهارگانه نیامده ، در حالی که

تعبیر: « کتاب الله و عترتی اهل بیتی » در سنن ترمذی آمده است . (۵)

۳. تعبیر: « کتاب الله و سنتی » در شماری از منابع حدیثی چون: « الموطأ » بدون

سند آمده (۶) در حالی که قرائت مشهور: « کتاب الله و عترتی » در صحاح ، سنن ،

مسانید ، معاجم و دیگر منابع حدیثی با سندهای صحیح آمده ، که به چند نمونه ی آن

در همین گفتار اشاره کردیم .

- ١- [١] . معجم المؤلفين ، ج ٦ ، ص ٥٨ و ٢٣٩ ، عمر رضا كحّاله ، دار احياء التراث العربى ، بيروت ، ١٣٧٦ ق .
- ٢- [٢] . كنز العمال ، ج ١ ، ص ١٨٨ .
- ٣- [٣] . همان ، ص ١٧٢ _ ١٨٨ .
- ٤- [٤] . صحيح مسلم ، ج ٤ ، ص ١٨٧٣ .
- ٥- [٥] . الجامع الصحيح ، ترمذى ، ج ٥ ، ص ٦٦٢ .
- ٦- [٦] . الموطأ ، ج ٢ ، ص ٨٩٩ .

۴. تعبیر: « کتاب الله و سنتی » در هیچ منبعی با سند صحیح یا حسن نیامده ، بلکه با

سند ضعیف و باطل آمده ، چنانکه به تفصیل بیان شد و اینجا فقط اشاره می کنیم :

(۱) در سند دارقطنی : « صالح بن موسی » واقع شده ، که رجالیون او را : ضعیف ،

متروک الحدیث ، منکر الحدیث ، غیر موثق و غیر قابل اعتماد و احتجاج

دانسته اند . (۱)

(۲) در سند حاکم : « اسماعیل بن ابی اویس » قرار گرفته ، که علمای رجال او را :

ضعیف ، خیره سر ، سبک مغز ، حدیث دزد ، رشوه بگیر ، دروغ پرداز ، خلط کننده و

معترف به جعل حدیث معرفی کرده اند . (۲)

(۳) در سند ابن عبدالبرّ : « کثیر بن عبدالله بن عمرو قرطبی » واقع شده ، که

حدیث شناسان او را : ضعیف ، دروغ گو ، منکر الحدیث ، واهی الحدیث ، متروک

الحدیث ، غیر موثق و غیر متین دانسته اند و شخص ابن عبدالبرّ گفته : بر ضعف او

اتّفاق نظر است . (۳)

(۴) در سند قاضی عیاض : « سیف بن عمر » واقع شده ، که کارشناسان رجال حدیث

او را : ضعیف ، متروک الحدیث ، منکر الحدیث ، حدیث ساز و ساقط از اعتبار دانسته ،

به کفر و زندقه متّهم کرده اند . (۴)

۵. دانشمند معاصر اردنی : حسن بن علی سقّاف شافعی ، می نویسد :

روایتی که در آن به جای : « اهل بیته » لفظ « سنتی » وارد شده ، از نظر سند باطل

است ، (۵) در حالی که ده ها تن از بزرگان اهل سنت به صحیح بودن : « کتاب الله

وعترتی » تصریح کرده اند ، که از آن جمله است :

(۱) حاکم نیشابوری ، متوفای ۴۰۵ ق . در مستدرک . (۶)

-
- ١- [١]. تهذيب التهذيب ، ابن حجر عسقلاني ، ج ٢ ، ص ٥٤٠ .
 - ٢- [٢]. همان ، ج ١ ، ص ١٩٧ .
 - ٣- [٣]. تهذيب التهذيب ، ج ٤ ، ص ٥٨٣ .
 - ٤- [٤]. همان ، ج ٢ ، ص ٤٧٠ .
 - ٥- [٥]. صحيح صفة صلاة النبي ، سقاف ، ص ٢٨٩ .
 - ٦- [٦]. المستدرک على الصّحيحين ، ج ٣ ، ص ١٠٩ .

۲) حافظ ابن کثیر، متوفای ۷۷۴ ق. در بدایه. (۱)

۳) حافظ علی بن ابی بکر هیشمی، متوفای ۸۰۷ ق. در مجمع. (۲)

۴) حافظ ابن حجر عسقلانی، متوفای ۸۵۲ ق. در مطالب عالیه. (۳)

۵) جلال الدین سیوطی، متوفای ۹۱۱ ق. در جامع صغیر. (۴)

۶) ابن حجر مکی، متوفای ۹۷۴ ق. در صواعق. (۵)

۷) علامه مناوی، متوفای ۱۰۳۰ ق. در فیض القدر. (۶)

۶. این دانشمند اردنی در کتاب دیگرش با صراحت هر چه تمام تر می گوید:

تعبیر « کتاب الله و سنتی » که در السنه ی مردم جاری است و خطیبان آن را با آب و

تاب بر فراز منبرها می خوانند، حدیثی موضوع و مجعول است که امویان و پیروان

آنها آن را جعل کرده اند، تا مردم را از حدیث صحیح: « کتاب الله و عترتی » باز دارند. (۷)

وی در ادامه ی گفتار پیشین خود می گوید: حدیث « کتاب الله و عترتی » بی گمان

مجعول است و شکی نیست که بنی امیه در جعل آن دست داشته اند. (۸)

۷. اگر فرض کنیم که تعبیر « کتاب الله و سنتی » سند معتبری داشته باشد، هرگز

نمی تواند با متن معتبر، مستند، مشهور، مستفیض و متواتری که همه ی بزرگان بر

صحیح بودن آن تصریح کرده اند، معارضه کند.

۸. اگر فرض کنیم که قرائت « کتاب الله و سنتی » سند صحیح داشته باشد، آیا سنت

پیامبر صلی الله علیه و آله را از چه کسی فرابگیریم؟ از اهل بیت که « هم ادری بما فی البیت »؟ از

امیر مؤمنان علیه السلام که آیه تطهیر بر عصمت وی دلالت دارد؟ از امیر مؤمنان علیه السلام که سالها

ص: ۳۶

- ٢- [٢] . مجمع الزوائد ، ج ٩ ، ص ١٦٤ .
- ٣- [٣] . المطالب العاليه ، تحقيق حبيب الرحمن اعظمى ، دار المعرفه ، بيروت ، ج ٤ ، ص ٦٥ .
- ٤- [٤] . الجامع الصغير ، دار الكتب العلميه ، بيروت ، چاپ سؤم ١٤٢٧ ق . ص ١٥٧ .
- ٥- [٥] . الصواعق المحرقه ، ص ١٥٠ .
- ٦- [٦] . فيض القدير ، تحقيق احمد عبد السلام ، دار الكتب العلميه ، بيروت ، ١٤٢٢ ق . ج ٣ ، ص ٢٠ .
- ٧- [٧] . صحيح شرح العقيد الطحاويّه ، حسن بن علي سقاف ، دار الامام التّوى ، عمان ، اردن ، ١٤١٦ ق . ص ٦٥٤ .
- ٨- [٨] . صحيح صفه صلاه النّبي ، سقاف ، ص ٢٩٠ .

پیش از بعثت در محضر پیامبر اکرم بوده ، پیش از بعثت سالها در معیت آن حضرت

نماز خوانده و همانند سایه همواره پشت سر آن حضرت بوده است ؟ یا از امثال

« ابوهریره » که دو سه سال بیشتر محضر پیامبر را درک نکرده ، ولی صدها حدیث از

زبان پیامبر نقل کرده و برای جعل برخی از احادیث صدها هزار درهم از معاویه

اجرت گرفته است ؟ !!

برای شناخت بهتر ابوهریره به کتابهایی که مستقلاً پیرامون وی تألیف شده

مراجعه فرمایید . (۱)

۹ . رسول اکرم صلی الله علیه و آله در حدیث ثقلین با جمله ی : « لن یفترقا حتّی یردا علیّ الحوض »

با قاطعیت تمام خبر داده که قرآن و عترت هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند تا در روز

قیامت در کنار حوض کوثر بر آن حضرت وارد شوند ، ولی اگر تعبیر « کتاب الله

وسنتی » را پذیرا شویم باید بگوییم که پیشگویی پیامبر اتفاق نیفتاد ، زیرا در همان

روزهای نخستین با تألیف و تدوین سنت مخالفت شد و در حدود یک قرن از کتابت

حدیث به شدت جلوگیری شد ، و در این رابطه روایات فراوان جعل کرده به پیامبر

اکرم صلی الله علیه و آله نسبت دادند ، از جمله :

لا تکتبوا عنّی الاّ القرآن ، فمن کتب عنّی غیر القرآن فلیمحه ، و حدّثوا عن

بنی اسرائیل ولا حرج ؛

از من به جز قرآن چیزی ننویسید ، هر کس از من چیزی به جز قرآن نوشته باشد

باید آن را نابود سازد ، ولی اگر از بنی اسرائیل چیزی حدیث کنید مانعی ندارد !! (۲)

با جعل احادیثی از این قماش ، اولاً : از نشر سنت نبوی جلوگیری شد ، ثانیاً : راه

برای نقل اسرائیلیات فراهم گردید .

-
- ۱- [۱]. از قبیل : ۱) شیخ المصیرہ ، از ابوریّہ ، مؤسسہ اعلمی ، بیروت ، ۱۳۸۵ ق . ۲) أبوهریره ، از مرحوم شرف الدین ، مطبعه حیدریه ، نجف اشرف ، ۱۳۷۵ ق . ۳) اکثر أبوهریره ، از دکتر مصطفی بوهندی ، دلیل ما ، قم ، ۱۳۸۵ ش .
- ۲- [۲]. کنز العمال ، متقی هندی ، ج ۱ ، ص ۱۹۹ ، ح ۱۰۰۵ .

شدند(۱) به فرمان خلیفه همه ی کتابهای حدیثی طعمه ی حریق شد(۲) و این منع

حدیث تا زمان عمر بن عبدالعزیز ادامه یافت .

۱۰ . بسیاری از بزرگان اهل سنت و همه ی علمای شیعه از حدیث ثقلین ، امتداد

امامت اهل بیت را تا پایان جهان استفاده کرده اند ، زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این حدیث

متواتر خبر می دهد که قرآن و عترت تا روز رستاخیز هرگز از یکدیگر جدا نخواهند

شد ، پس اگر روزی بیاید که در آن پیشوایی قابل تمسک از عترت پیامبر نباشد

پیشگویی پیامبر خلاف خواهد شد و چنین چیزی امکان پذیر نمی باشد ، زیرا قرآن

کریم گفته های پیامبر را قطعی و غیرقابل تردید دانسته ، با قاطعیت می فرماید :

« وَ مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ » ؛

هرگز از روی هوای نفس سخن نمی گوید ، به جز آنچه به او وحی می شود .(۳)

قرآن کریم صدق گفتار پیامبر اکرم را تضمین کرده ، در حالیکه اگر « کتاب الله

وسنتی » را بپذیریم ، گفتار پیامبر خلاف خواهد بود ، زیرا از نخستین روزهای ارتحال

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سنت او را زیر پا نهادند ، خواسته های خود را جایگزین سنت پیامبر

کردند ، حتی از نقل و نشر و تدوین سنت آن حضرت به شدت نهی کردند ، و اینک

چند نمونه از مخالفت متولیان امر با سنت قطعی پیامبر :

۱ . حج تمتع

متعه الحج ریشه ی قرآنی دارد و از سنت قطعی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حجّه الوداع

می باشد ، ولی خلیفه دوم گفت :

خدا هر چه خواسته به پیامبرش اجازه داده ، شما خود نگهداری کنید و عمره را

منحصراً در غیر « اشهر حج » انجام بدهید .(۴)

- ١- [١]. تذكره الحفاظ ، ذهبى ، ج ١ ، ص ٧ .
- ٢- [٢]. الطبقات الكبرى ، ابن سعد ، ج ٥ ، ص ١٨٨ .
- ٣- [٣]. سورة النجم ، آيه ٣ و ٤ .
- ٤- [٤]. مشكل الآثار طحاوى ، ج ٢ ، ص ١٤٦ .

۲. ازدواج موقت

متعہ النساء نیز ریشہ ی قرآنی دارد، ولی خلیفہ گفت:

هر کس متعہ انجام دهد او را سنگسار می‌کنم. (۱)

و خود به صراحت می‌گوید:

متعّتان کانتا علی عهد رسول اللہ، أنا أنہی عنہما وأعاقب علیہما: متعہ

الحجّ ومتعہ النساء؛

دو «متعہ» در عهد پیامبر رایج بود، من از آنها نہی می‌کنم، و بر آنها کیفر می‌کنم:

(۱) متعہ الحجّ (انجام دادن عمرہ در اشہر حج).

(۲) متعہ النساء (ازدواج موقت). (۲)

۳. سه طلاق در یک مجلس

از سنت قطعی عهد پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ بود کہ سه طلاق در یک مجلس، یک طلاق

محسوب شود، خلیفہ ی دوم آن را سه طلاق قرار داد. (۳)

۴. ترک تیمم و نماز

تیمم در قرآن کریم به صراحت آمده و جزء سنت قطعی پیامبر بود، از خلیفہ دوم

پرسیدند: گاهی پیش می‌آید یک ماه، دو ماه آب پیدا نمی‌کنیم، خلیفہ گفت:

من تا وقتی کہ دسترسی به آب پیدا کنم نماز نمی‌خوانم. (۴)

۵. نماز تمام در سفر

نماز شکسته برای مسافر ریشہ ی قرآنی دارد و از سنت قطعی پیامبر بود کہ در منی

و غیر منی در سفر نمازهای چهاررکعتی را دو رکعتی می‌خواند، عثمان آن را به چهار

- ١- [١]. السنن الكبرى ، ييهقى ، ج ٧ ، ص ٢٠٦ .
- ٢- [٢]. مشكل الآثار طحاوى ، ج ٢ ، ص ١٤٦ .
- ٣- [٣]. صحيح مسلم ، ج ٢ ، ص ١٠٩٩ .
- ٤- [٤]. سنن نسائى ، ج ١ ، ص ١٦٨ .

رکعتی تبدیل کرد. (۱)

۶. باده نوشی

حرمت شرب خمر در قرآن کریم به صراحت آمده ، از ضروریات دین مقدّس اسلام و از سنت قطعی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود ، ولی معاویه علناً در کنار سفره اش شراب می نهاد ، خود به صورت علنی مشروب می خورد و به حاضران تعارف می کرد. (۲)

۷. الحاق فرزند نامشروع

از سنت مؤکد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این بود که بچه در خانه ای که متولد شده به صاحب خانه ملحق می شود و به فرد زانی حدّ جاری می شود ، ولی معاویه با شهادت یک نفر باده فروش ، زیاد بن ابیه را به ابوسفیان ملحق نمود. (۳)

۸. دشمنی با نفس پیامبر

از سنت مؤکد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دعوت مردم به محبت و مودت امیرمؤمنان علیه السلام و برحذر داشتن آنها از هر گونه توهین به آن حضرت بود و به صراحت اعلام می کرد :
من سبّ علیاً فقد سبّنی ؛

هر کس علی را دشنام دهد مرا دشنام داده. (۴)

ولی به فرمان معاویه به مدت ۱۰۰۰ ماه (۵) در بیش از ۷۰/۰۰۰ منبر به صراحت به

آن حضرت سبّ و لعن کردند. (۶)

معاویه به مغیره می گوید : به علی ، علنی دشنام بده و به طور علنی او را تنقیص کن. (۷)

ص: ۴۰

۱- [۱]. صحیح مسلم ، ج ۱ ، ص ۴۸۲ .

۲- [۲]. مسند احمد حنبل ، ج ۹ ، ص ۶ ، ح ۲۳۰۰۲ .

- ٣- [٣]. صحيح بخارى، ج ٣، ص ٧٠.
- ٤- [٤]. مستدرک حاکم، ج ٣، ص ١٣٠.
- ٥- [٥]. تذکره الخواص، ابن جوزى، تحقيق حسين تقى زاده، مجمع جهانى اهل بيت، قم، ١٤٢٦ ق. ج ١، ص ٣٦٠.
- ٦- [٦]. ربيع الابرار، زمخشرى، ج ٢، ص ١٨٦.
- ٧- [٧]. انساب الاشراف، بلاذرى، تحقيق سهيل زكار، دارالفکر، بيروت، ١٤٢٠ ق. ج ٥، ص ٣٠.

۹. تجاوز به حریم مکه و مدینه

پسرش یزید علنی مشروب می خورد، ۱۲۰۰۰ نفر به فرماندهی مسلم بن عقبه

برای کشتار اهل مدینه به مدینه ی منوره فرستاد، سه شبانه روز اهل مدینه را قتل عام کرد، اهل مکه را با منجنیق کشت، دامنه ی آتش به کعبه رسید، استار کعبه طعمه ی حریق شد(۱) و با این همه جنایت بر تخت خلافت تکیه کرده، نگهبان سنت نبوی بود!! و عبدالله بن عمر اعلام می کرد که هر کس از اطاعت او سرپیچی کند با مرگ جاهلی می میرد! (۲).

۱۰. میگساری بر فراز بام کعبه

ولید بن یزید بن عبدالملک که در لیست خلفای دوازده گانه ی پیامبر، از سوی ابن حجر عسقلانی به عنوان دوازدهمین آنها تعیین شده(۳) هیچ گناهی را فروگذار نشد و کارش به آنجا رسید که رهسپار مکه شد تا بر فراز پشت بام کعبه شراب بخورد! (۴). این بود اشاره ای کوتاه به پایمال شدن سنت نبوی توسط متولیان امر خلافت، که صرفاً به طور اشاره، آن هم به مسائل درجه دو و سه، و پرهیز از طرح مسائل اصلی چون غضب خلافت و مصادره فدک و ... طرح گردید.

از طرح این موضوع به این نتیجه می رسیم که به دنبال ارتحال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سنت آن حضرت رسماً توسط متولیان امر خلافت، به بوته ی فراموشی سپرده شد و عملاً چیزی از سنت آن حضرت از دستبرد متصدیان امر محفوظ نماند.

پس اگر قرائت: « کتاب الله و سنتی » صحیح باشد، آیا نتیجه ی قطعی آن با جمله ی

صریح و قاطع پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در همین حدیث: « لا یفترقان حتی یردا علی الحوض »

تناقض پیدا نمی کند؟!

-
- ١- [١]. تاريخ الاسلام ، ذهبي ، تحقيق دكتور عمر عبدالسلام تدمري ، دارالكتاب العربي ، بيروت ، ١٤١٠ ق . ج ٥ ، ص ٢٥ .
 - ٢- [٢]. تاريخ خليفه بن خنيط ، عصفري ، تحقيق دكتور اكرم ضياء ، دار القلم ، بيروت ، ١٣٩٧ ق . ص ٢٥ .
 - ٣- [٣]. فتح الباري ، ابن حجر عسقلاني ، تحقيق محمد فؤاد ، دارالمعرفه ، بيروت ، ج ١٣ ، ص ٢١٤ .
 - ٤- [٤]. تاريخ الخميس ، ديار بكري ، دارصادر ، بيروت ، ج ٢ ، ص ٣٢٠ .

یکی از دلایل قطعی ما بر زنده بودن حضرت ولی عصر _ ارواحنا فداه _ در عصر غیبت

همین فراز از حدیث ثقلین می باشد ، زیرا اگر یک روز حجت خدا در روی زمین

نباشد این فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خلاف خواهد بود .

و این نکته ی بسیار مهمی است که برخی از بزرگان اهل سنت نیز به آن توجه نموده اند و

اینک به نقل دو فراز کوتاه از دو شخصیت برجسته ی اهل تسنن بسنده می کنیم :

۱ . ابن حجر هیتمی ، متوفای ۹۷۴ ق . پس از نقل حدیث ثقلین و تحلیل فرازهای

آن می نویسد :

در احادیث وارده پیرامون تمسک به اهل بیت اشاره است به اینکه هرگز فردی

شایسته ی تمسک از اهل بیت تا روز قیامت منقطع نخواهد شد ، چنانکه قرآن کریم نیز

اینگونه است ، و لذا آن دو (قرآن و اهل بیت) امان هستند برای اهل زمین ، چنانکه به

حدیثش اشاره خواهیم کرد .

گواه دیگر آن ، حدیثی است که قبلاً تقدیم شد : « در میان هر طائفه ای از امت من

افراد عادلانی از اهل بیت من خواهد بود که ... » .

شایسته ترین انسان برای تمسک کردن در میان اهل بیت ، امام و عالم آنها ، علی بن

ابی طالب _ کرم الله وجهه _ می باشد ، که در صفحات پیشین از دانش بیکران و استنباطهای

دقیقش سخن گفتیم . (۱)

۲ . محمد عبدالرؤوف مناوی ، متوفای ۱۰۳۰ ق . در شرح : « جامع الصغیر » سیوطی ،

در شرح حدیث ثقلین به تفصیل سخن گفته ، که تنها به فرازهایی از آن اشاره می کنیم :

منظور از « عترت » همان « اصحاب کساء » هستند که خداوند هر گونه پلیدی را از

آنها زدوده ... محبت و احترام آنها را واجب مؤکد نموده و احدی را در کوتاهی از این

وظیفه معذور ندیده ...

تلازم کتاب و عترت استمرار دارد تا روزی که در حوض کوثر بر آن حضرت وارد شوند ، و این بیان پیامبر اشاره ، بلکه تصریح است به اینکه قرآن و عترت همسنگ

ص:۴۲

۱- [۱]. الصواعق المحرقة ، ابن حجر ، ص ۱۵۱ .

یکدیگر هستند ...

از این حدیث استفاده می شود که باید در هر زمانی کسی از عترت طیب و طاهر ، تا روز رستاخیز شایسته ی تشبث و تمسک در روی زمین باشد ، تا این فرمان اکید بر تمسک به او متوجه باشد ، چنانکه قرآن نیز چنان است .

از این رهگذر آنها برای اهل زمین امان هستند ، اگر آنها از روی زمین برداشته

شوند ، همه ی اهل زمین از بین می روند . (۱)

امیدواریم در آینده ای نه چندان دور کتاب مستقلی در این رابطه منتشر کرده ، ابعاد مختلف این حدیث شریف را مشروحاً بیان کنیم .

حوزه علمیه قم

علی اکبر مهدی پور

ص: ۴۳

۱- [۱]. فیض القدیر ، مناوی ، ج ۳ ، ص ۲۰ .

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

